

تقدیم به فرزندانم بابک

پیشگفتار

کتاب *شرکتهای تجاری* بخش دیگری از دوره «حقوق تجارت» است که وعده کرده بودیم، اگر خداوند یاری کند، تقدیم جامعه علمی کشور کنیم. بی تردید بخش عظیمی از فعالیتهای اقتصادی را شرکتهای تجاری برعهده دارند؛ زیرا استفاده از پدیده شرکت تجاری به بازدهی فعالیت اقتصادی حدت بیشتری می دهد و متضمن مزایایی است که فعالیت فردی دربر ندارد؛ مزایایی چون فراهم شدن سرمایه بیشتر و تجمع تخصصهایی گوناگون برای دستیابی به هدفی واحد و به ویژه محدودیت مسئولیت فعالان تجاری. بیهوده نیست که امروزه نه تنها اشخاص بلکه دولتها نیز فعالیت اقتصادی خود را در قالب شرکتهای تجاری ارائه می کنند.

اما شرکت تجاری در اشکال مختلف جلوه می کند. علاوه بر شرکتهای موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی ۱۳۴۷ راجع به شرکتهای سهامی عام و خاص، عرف شرکتهایی را می شناسد که، جز از پاره ای جهات، از مقررات سنتی حقوق تجارت پیروی نمی کند. شرکتهای دولتی عمده ترین این نوع شرکتهای محسوب می شوند که تابع قانون و اساسنامه خود هستند، جز در صورتی که قانون و اساسنامه آنها، در خصوص موضوع خاصی، پیش بینی خاصی نکرده باشد که تنها در این صورت، از لایحه قانونی ۱۳۴۷ تبعیت می کنند. شرکتهای دیگری نیز وجود دارند که شاید برشمردن آنها در این مختصر نگنجد؛ مانند شرکتهای تعاونی، شرکتهای تحت پوشش دولت و شرکتهای وابسته به دولت، شرکتهای ملی شده و شرکتهای بانک.

اگر بخواهیم شرکتهای تجاری را بررسی کنیم، پرداختن به همه این انواع ضروری است و الا کاری ناقص کرده‌ایم. البته انجام این ضرورت کار آسانی نیست؛ چرا که از یک طرف باید همه انواع شرکتهای را بررسی کنیم و از طرف دیگر، کتاب باید برای دانشجویان، که خوانندگان عمده‌اند، قابل استفاده باشد. این دو واقعیت متضاد ایجاب می‌کند که کوشش کنیم در عین اینکه کتاب متضمن تحلیلهای لازم است از بحثهای طولانی و احتمالاً ملال‌آور خالی باشد.

در راستای این هدف تصمیم گرفته‌ایم، مبحث شرکتهای تجاری را در سه جلد تدوین و تقدیم کنیم: در جلد اول و دوم شرکتهایی را بررسی می‌کنیم که دانشجویان حقوق باید بشناسند؛ یعنی شرکتهای اشخاص، شرکت با مسئولیت محدود و شرکتهای سهامی عام و خاص؛ در جلد سوم شرکتهای دیگر را با عنوان شرکتهای ویژه معرفی خواهیم کرد. مطالب جلد اخیر، اگرچه برای دانشجویان حقوق هم مفید خواهد بود، بیش از آنها به کار فعالان تجاری خواهد آمد و به هر حال موضوعات آن از سرفصلهای درسی وزارت علوم و آموزش عالی برای دانشکده‌های حقوق، فراتر می‌رود.

به هر حال به سامان رسیدن این کتاب نیز حاصل همت سازمان محترم «سمت» است و جا دارد در اینجا از واحد ویرایش این مؤسسه، به‌خصوص آقای صفر بیگ‌زاده و سرکار خانم اعظم حاجی‌علی‌اکبری که ویرایش این کتاب حاصل زحمات و دقت آنان است، تشکر کنم.

ربیعا اسکینی

بهار ۱۳۷۵

مقدمه

اهمیت شرکتهای تجاری و فایده مطالعه آنها

مطالعه شرکتهای تجاری از جهات مختلف مفید می‌نماید. شرکتهای تجاری از نظر اقتصادی، اهمیتی فراوان دارند؛ زیرا هرچند تعداد آنها از تجار انفرادی به مراتب کمتر است، ابزار و سرمایه مجموعه‌های صنعتی و تجاری به آنها تعلق دارد. این نکته از دیرباز صادق بوده و در عصر ما، با تغییرات و تحولات بنیادی اقتصادی و سیاسی که شاهدیم، صورت آشکارتری به خود می‌گیرد. در این باره، کافی است به شرکتهای بزرگ تجاری به اصطلاح چندملیتی اشاره کنیم که در طول قرن حاضر در کشورهای بزرگ صنعتی تشکیل یافته، با فروپاشی نظام کمونیستی و گرایش جهانی به سوی اقتصاد بازار آزاد، رقبای دولتی خود را از دست می‌دهند.

شرکت در سیستمهای حقوقی مختلف، وسیله تحدید مسئولیت فعالان تجاری است؛ به این معنا که تجار شخصی یعنی تجاری که به صورت انفرادی فعالیت می‌کنند، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت نامحدود دارند و کل دارایی آنها، اعم از سرمایه تجاری و اموال خصوصی، وثیقه پرداخت دیون آنها به طلبکاران است؛ اما اشخاصی که فعالیت تجاری‌شان از طریق تشکیل شرکت انجام می‌گیرد، مسئولیتی عمدتاً محدود دارند و - البته در شرکتهای به اصطلاح سرمایه - فقط تا آن بخش از دارایی‌شان بدهکار طلبکاران هستند که در شرکت گذاشته‌اند. همین مزیت شرکت موجب شده است که در دنیای اقتصادی غرب، حتی تجار انفرادی، به جای فعالیت تجاری سنتی، در قالب شرکتهای به اصطلاح «تک‌شریک»^۱ به تجارت پردازند تا

1. société unipersonnelle = one man's company

در عین اینکه در کنار شرکای دیگر قرار نمی‌گیرند، مسئولیتشان، در قبال طلبکاران، محدود به سرمایه‌ای شود که به شرکت تک‌شریک اختصاص داده‌اند.

وقتی مؤسسه یا مجموعه‌ای تجاری فقط به یک نفر تعلق دارد، تفکیک مسائل ناشی از گرداندن سرمایه و اداره مجموعه اغلب مطرح نمی‌شود و صاحب مؤسسه به طور مستقل، اختیار به‌کارگیری و اداره سرمایه را بدون مراجعه به تصمیم اشخاص ثالث دارد و می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن بکند. برعکس، زمانی که همین مؤسسه در مالکیت اشخاص متعدد است، ممکن است گرداندن سرمایه و اداره مؤسسه در اختیار شخص واحد نباشد. نمونه بارز این وضعیت را در شرکتهای سهامی می‌بینیم که در آنها در کنار شرکا، یعنی مالکان شرکت که اداره‌کنندگان سرمایه‌اند، مدیران و کارکنان شرکت اداره مؤسسه را برعهده دارند.

این ویژگیها موجب شده است که در حقوق تجارت، به موازات مطالعه وضع تجار حقیقی، مبحثی نیز به مطالعه وضعیت شرکتهای تجاری اختصاص یابد که در واقع از جمله تجارند. با توجه به همین ویژگیها در مبحث حقوق شرکتهای مسائل و مطالبی مطرح می‌شود که در مبحث راجع به تجار حقیقی درباره آنها بحث نمی‌شود؛ مطالبی که عناوین کلی آنها در پایان مقدمه ذکر شده است.

تاریخچه قانون‌گذاری شرکتهای تجاری در ایران

با وجود آنکه قانون مدنی ایران پس از قانون تجارت، یعنی در سال ۱۳۱۳ شمسی، به تصویب رسیده است، در مبحث مربوط به شرکت (مواد ۵۷۱ تا ۶۰۷) به مقررات قانون تجارت در مورد شرکت اشاره‌ای ندارد. خود قانون مدنی نیز حاوی هیچ نکته به‌خصوصی در مورد این نوع شرکت نیست. بنابراین، بر اساس قواعد کلی حقوق، مقررات قوانین تجاری انحصاراً بر شرکت تجاری حکومت می‌کنند؛ مگر اینکه در مورد امری خاص، قوانین تجاری قیدی نداشته باشند که در چنین موردی باید به قانون مدنی مراجعه کرد.

اولین قانون تجاری که در آن از شرکتهای تجاری صحبت شده، قانون ۲۵

دلو ۱۳۰۳ است. بعداً قوانین ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید

که در آنها وضعیت شرکتهای تجاری (سهامی، تضامنی، مختلط و تعاونی) به اختصار بیان شده است.

قانون ثبت شرکتهای در ۱۳۱۰/۳/۱۱ به تصویب رسید که هدفش وضع مقرراتی برای ثبت شرکتهای موجود و تطبیق آنها با مقررات قانون تجارت بود^۱ و پاره‌ای از موادش در ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ اصلاح گردید.^۲ در مورد ثبت انواع شرکت، قوانین و آیین‌نامه‌های دیگری نیز به تصویب رسیده است که از آن جمله می‌توان به این قوانین اشاره کرد: قانون حق‌الثبت شرکتهای بیمه (مصوب ۱۳۱۰/۹/۶)، آیین‌نامه قانون ثبت شرکتهای در مورد شرکتهای بیمه (مصوب آذر ۱۳۱۰ و اصلاح شده در بهمن ۱۳۱۱)، آیین‌نامه قانون ثبت شرکتهای بیمه (مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱)، آیین‌نامه شماره ۵۱۵۸۳ (مصوب اسفند ۱۳۲۷، راجع به ایجاد «اداره ثبت شرکتهای و علائم تجاری و اختراعات»)، نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای (مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ با اصلاحیه‌های بعدی آن، راجع به ایجاد «دایره ثبت شرکتهای» در تهران) و طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکتهای (مصوب شهریور ۱۳۴۰، راجع به تغییر نام «اداره ثبت شرکتهای و علائم تجاری و اختراعات» به «اداره ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی»).

اما قانونی که برای اولین بار راجع به شرکتهای تجاری وضع شد، قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳) است که هنوز هم پس از گذشت حدود شصت سال، اساس حقوق تجارت ایران را تشکیل می‌دهد و باب سوم آن به شرکتهای تجاری اختصاص دارد (مواد ۲۰ لغایت ۲۲۲). مبحث اول باب مزبور که راجع به شرکتهای سهامی است، بعداً به موجب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) تغییر یافت. این لایحه قانونی^۳ متضمن سیصد ماده است که ابتدا برای مدت دو سال، به‌طور آزمایشی اجرا و سپس به‌طور قطعی تصویب شد؛ اما سایر

۱. ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای مقرر می‌کند که عدم تطبیق شرکت با قانون تجارت و عدم ثبت تا

آخر شهریور ۱۳۱۰ موجب صدور حکم انحلال شرکت به تقاضای دادستان است.

۲. اصلاحات راجع‌اند به حقوق ثبتی که با توجه به کاهش قدرت ریال افزایش پیدا کرده‌اند (ر.ک.: ماده ۱۰ قانون ثبت شرکتهای).

۳. از این پس از این قانون به لایحه قانونی ۱۳۴۷ تعبیر خواهیم کرد.

شرکتهای تجاری تابع قانون تجارت ۱۳۱۱ باقی مانده‌اند؛ قانونی که بسیار قدیمی است و باید با توجه به تحولات حقوق تجارت در سراسر دنیا و نیز تغییرات عمیقی که در قوانین تجاری دنیا به عمل آمده، اصلاح شود که البته در این باره به‌ویژه باید به واحد بودن مقررات شرکتهای تجاری و جمع کردن آنها در قانون واحد توجه شود؛ چرا که اهمیت فعالیت تجاری این نوع شرکتهای، حجم قانون‌گذاری در این باره را وسعت داده است. به این علت در تدوین مقررات راجع به شرکتهای تجاری بهتر است مقررات قانون تجارت و لایحه قانونی ۱۳۴۷ زیر یک مجموعه و در قانون تجارت جای بگیرند. این کاری است که در لایحه اصلاح قانون تجارت، مصوب ۱۳۸۴ مصوب هیئت وزیران انجام شده و در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.

به هر حال در مورد قانون‌گذاری شرکتهای، در حال حاضر، قانون تجارت دارای نظامنامه‌ای است که در سال ۱۳۱۱ توسط وزارت عدلیه تدوین و تصویب شده و تشکیل شرکتهای را موقوف به تنظیم شرکتنامه رسمی کرده است (ماده ۱). ثبت تشکیلات غیر تجاری - موضوع ماده ۵۸۴ قانون تجارت - نیز موضوع آیین‌نامه‌ای است که در ۱۳۳۷ به تصویب رسیده و «آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری» نام دارد. همچنین باید توجه داشت شرکتهای تعاونی تولید و مصرف که موضوع مواد ۱۹۰ لغایت ۱۹۴ قانون تجارت‌اند در حال حاضر انحصاراً تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳) هستند.^۱ در واقع ماده ۲ قانون اخیر مقرر کرده است: «شرکتهایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند». تا وضع قانون اخیر به استثنای شرکتهای تعاونی تولید و مصرف، شرکتهای تعاونی دیگر تابع قانون شرکتهای تعاونی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶) و اصلاحیه‌های بعدی آن بودند^۲ و تجاری بودن یا

۱. روزنامه رسمی، شماره ۱۳۵۷۲ مورخ ۱۳۷۰/۷/۲۲.

۲. قانون اخیر، در واقع، جایگزین قانون دیگری است که با همین عنوان در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسیده است.

تجاری نبودن آنها به موضوع آنها بستگی داشت. با وضع قانون بخش تعاونی، این وضعیت در مورد کلیه شرکتهای تعاونی صادق است؛ به عبارت دیگر، هیچ شرکت تعاونی الزاماً تجاری نیست. اگر شرکت تعاونی به اموری پردازد که مطابق قانون تجاری تلقی می شود شرکت تجاری است و در غیر این صورت شرکت تجاری نخواهد بود. دوگانگی وضعیت حقوقی شرکتهای تعاونی موجب شده است که امروزه این شرکتها را در کتب اختصاصی و عمدتاً در حوزه عمل حقوق تعاون مورد بررسی قرار دهند.

حقوق شرکتهای تجاری در سایر کشورها

در اغلب کشورهایی که حقوق تجارت آنها برای ما آشناست، مقررات حاکم بر شرکتهای تجاری، حجم وسیعی از کل مقررات تجاری را تشکیل می دهد. تشکیل شرکتهای تجاری و حیات و انحلال آنها، به رویه قضایی کشورهای پیشرفته امکان داده است تا آرای بی شماری در مورد این رشته از حقوق تجارت صادر کند. حقوق شرکتها از جمله شاخه های حقوق تجارت است که در موردش، حتی در کشورهایی که حقوق آنها عمدتاً بر عرف و عادت استوار است و به کشورهای کامن لا معروف اند، قانون گذار وضع قانون می کند.

اشاره به قوانین و مقررات خارجی راجع به حقوق شرکتها از این نظر مفید است که فعالیت شرکتها و به ویژه شرکتهای سهامی فقط به درون مرزهای کشوری که در آن تأسیس شده اند، محدود نمی شود. از سوی دیگر، از این راه نواقص قانون گذاری ما در این باره که برخاسته از یک قانون گذاری تقریباً بی تحرک است معلوم می شود و راه حل های خارجی، به عنوان چاره احتمالی این نواقص، مشخص می گردد. باید امیدوار بود که چنین مطالعاتی به اصلاح و بهبود وضعیت قانون گذاری کشور درباره حقوق شرکتها، و به طور کلی حقوق تجارت بینجامد.

انواع شرکتهای تجاری

از زمانهای بسیار قدیم، افراد بشر با جمع کردن سرمایه و تلاش خود با سرمایه و

تلاش دیگران به منظور رسیدن به بازدهی اقتصادی بیشتر آشنا بوده‌اند. این جمع کردن سرمایه و تلاش در طول تاریخ صور گوناگونی به خود گرفته است: در زمان باستان و مدتها بعد از آن، گروههایی وجود داشته‌اند که از دو یا چند نفر تشکیل شده بودند و نیروی خود را صرف فعالیتهایی بیش و کم پایدار می‌کردند. اعضای این گروهها گاه مدتی طولانی و گاه مدتی محدود همکاری می‌کردند. همکاری طولانی بیشتر در تجارت زمینی و همکاری محدود بیشتر در تجارت دریایی به کار می‌رفت. این گروهها را می‌توان اسلاف دو نوع عمده شرکت امروزی، یعنی شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص تلقی کرد.^۱ شرکتهای نوع دوم که در قدیم تنها شرکتهای موجود بودند، در حال حاضر در حال کاهش‌اند و برعکس بر شمار شرکتهای نوع اول افزوده می‌شود.

قانون تجارت ایران در ماده ۲۰، انواع شرکتهای تجاری را احصا کرده است. فقط شرکتی که به یکی از این انواع درآید، شرکت تجاری است و شرکتهای دیگر مشمول این عنوان نمی‌شوند؛ مگر آنکه به فعالیت تجاری بپردازند که در این صورت، شرکت تضامنی تلقی می‌شوند (ماده ۲۲۰ ق. ت).

قبل از معرفی این شرکتها باید تذکر داد که اصولاً قانون تجارت سه نوع عمده شرکت را پیش‌بینی کرده است: شرکتهایی که در آنها مسئولیت کلیه شرکا نامحدود است، شرکتهایی که در آنها مسئولیت کلیه شرکا محدود به سرمایه‌ای است که به شرکت آورده‌اند و شرکتهایی که در آنها مسئولیت بعضی شرکا نامحدود و مسئولیت بعضی محدود است به آورده آنها به شرکت.

شرکتهای تضامنی و نسبی از شرکتهایی هستند که در آنها مسئولیت کلیه شرکا در مقابل طلبکاران شرکت نامحدود است؛ با این تفاوت که در شرکتهای تضامنی، هر یک از شرکا مسئول پرداخت کلیه بدهیهای شرکت به اشخاص ثالث است، در حالی که در شرکت نسبی هر شریک فقط به نسبت سهمی که در شرکت

1. Rodière, R. et B. Oppetit, *Droit Commercial, Groupements Commerciaux*, 10^e édition, Paris: Précis Dalloz, 1980, no. 2.

دارد مسئول پرداخت بدهی شرکت خواهد بود. وجه مشترک این دو نوع شرکت این است که طلبکاران این شرکتها می‌توانند طلب خود را علاوه بر دارایی شرکت، از دارایی شخصی شرکا نیز مطالبه کنند. مسئولیت نامحدود شرکا به همین مفهوم است.

شرکتهای سهامی (عام و خاص) و شرکتهای با مسئولیت محدود از شرکتهایی هستند که در آنها مسئولیت کلیه شرکا محدود به سرمایه‌ای است که به شرکت آورده‌اند. تفاوت این دو نوع شرکت عمدتاً در این است که در شرکتهای سهامی، شرکا که سهامدار نامیده می‌شوند، سهام خود در شرکت را می‌توانند به سهولت به اشخاص ثالث منتقل کنند؛ در حالی که در شرکتهای با مسئولیت محدود، شرکا که هر یک درصدی از کل سرمایه شرکت را دارند، نمی‌توانند حقوق خود در شرکت را آزادانه به اشخاص دیگر انتقال دهند.

شرکتهای دولتی از انواع شرکتهای سهامی هستند، اما مقررات لایحه قانونی ۱۳۴۷ تا آنجا در مورد آنها اعمال می‌شود که مخالف قانون خاص راجع به آنها و نیز اساسنامه آنها نباشد.^۱

شرکتهای مختلط از شرکتهایی هستند که در آنها هم شریک ضامن وجود دارد و هم شریک غیر ضامن. مسئولیت شرکای ضامن مانند مسئولیتی است که شرکای شرکتهای تضامنی دارند و مسئولیت شرکای غیر ضامن محدود به آورده آنها به شرکت است. شرکت مختلط به شرکت مختلط سهامی و غیرسهامی تقسیم می‌شود. شرکت مختلط سهامی ترکیبی از شرکت تضامنی و شرکت سهامی، و شرکت مختلط غیر سهامی ترکیبی از شرکت تضامنی و شرکت با مسئولیت محدود است.

۱. به موجب ماده ۳۰۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند». شرکتهای دولتی، بدین ترتیب رژیم حقوقی خاص خود را دنبال می‌کنند و ما آنها را در جلد سوم همین کتاب تحت عنوان شرکتهای ویژه بررسی خواهیم کرد.

علاوه بر شرکتهای ذکر شده، بند ۷ ماده ۲۰ قانون تجارت، شرکت تعاونی تولید و مصرف را نیز از اقسام شرکتهای تجاری شمرده است. با توجه به اینکه با وضع قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۰) شرکتهای تعاونی انحصاراً تابع این قانون هستند، شرکتهای تعاونی تولید و مصرف نیز از تاریخ این قانون تابع آن خواهند بود. شرکتهای تعاونی تابع قانون جدید در صورتی تجاری اند که در اموری فعالیت داشته باشند که مطابق قانون تجارت، تجاری تلقی می‌شوند؛ در غیر این صورت تجاری نخواهند بود. آنچه به طور خلاصه در مورد شرکتهای تعاونی می‌توان گفت این است که این شرکتها به دنبال کسب سود و تقسیم آن از طریق به کارگیری سرمایه نیستند، بلکه هدف از تشکیل آنها بردن سود با به کارگیری اعضاست که به موقع به آن خواهیم پرداخت.

تقسیم‌بندی مطالب کتاب

تقسیم مباحث کتاب قاعداً باید بر تقسیم‌بندی قانون‌گذار در ماده ۲۰ قانون تجارت استوار باشد. این تقسیم‌بندی ما را به تقسیم شرکتهای تجاری به شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص هدایت می‌کند؛ ولی تقسیم‌بندی ماده ۲۰ نه منطقی است، نه ممکن. منطقی نیست چرا که شرکتهای مزبور در پاره‌ای موارد، تابع قواعدی هستند که نسبت به همه آنها مشترک است. ذکر این قواعد به مناسبت بررسی هر یک از شرکتهای مورد بحث به تکرار مطالب می‌انجامد و قطعاً زینده نیست. به این علت، باب اول این کتاب به کلیات راجع به شرکتها، یعنی قواعد مشترک حاکم بر آنها اختصاص داده شده است. از طرفی، تقسیم‌بندی سنتی شرکتها به شرکتهای سرمایه و اشخاص به صورت دقیق میسر نیست. اگر شرکتهای تضامنی، مختلط غیر سهامی و نسبی را به دلیل عدم امکان انتقال سهم‌الشرکه شرکا به اشخاص ثالث بدون رضایت سایر شرکا بتوان تحت عنوان شرکتهای اشخاص بررسی کرد، شرکت با مسئولیت محدود را نه می‌توان جزء شرکتهای سرمایه گذاشت و با شرکتهای سهامی یکجا بررسی کرد، نه جزء شرکتهای اشخاص؛ زیرا شرکت با مسئولیت محدود، از آن نظر که در آن انتقال سهم‌الشرکه توسط شریک جز با رضایت شرکای دیگر میسر نیست

به شرکتهای اشخاص نزدیک است و از آن نظر که در آن، مسئولیت شرکا محدود به آورده آنهاست، به شرکتهای سهامی شباهت دارد. به این سبب به این نوع شرکت باید فصلی جدا اختصاص داد.

علاوه بر شرکتهای مذکور باید از شرکتهای عمده دیگری نیز صحبت کنیم که آنها را نمی توان جزء هیچ یک از شرکتهای بالا قرار داد. این شرکتهای عبارت اند از: شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی و شرکت دولتی. این شرکتهای را به دلیل قواعد خاصی که بر آنها حاکم است، تحت عنوان شرکتهای ویژه بررسی خواهیم کرد.

بنابراین، کتاب حاضر چهار باب خواهد داشت: باب اول: کلیات، باب دوم: شرکتهای اشخاص، باب سوم: شرکت با مسئولیت محدود، باب چهارم: شرکتهای سهامی عام و خاص.

بابهای اول، دوم و سوم، موضوع جلد اول، باب چهارم، موضوع جلد دوم و باب پنجم، موضوع جلد سوم خواهد بود.

